

ادیان توحیدی

حقیقت وحدت ادیان/ رسول اسلام(ص) هویت متکامله ادیان الهی را به اوج رسانید

یکی از مدرسین حوزه در تبیین حقیقت وحدت ادیان تأکید می کند: مسأله وحدت ادیان تا آنجا که به جنبه ارتباط و تعلق آنان به عالم غیب مربوط می شود ...

تحلیلی در حقیقت دین و گرایش به معنویت/

حقیقت وحدت ادیان/ رسول اسلام(ص) هویت متکامله ادیان الهی را به اوج رسانید

یکی از مدرسین حوزه در تبیین حقیقت وحدت ادیان تأکید می کند: مسأله وحدت ادیان تا آنجا که به جنبه ارتباط و تعلق آنان به عالم غیب مربوط می شود مورد قبول و امضاء می باشد؛ چنانچه در آیات شریفه به این معنا تصریح شده است. به گزارش خبرگزاری مهر، آیه الله سید محمد محسن حسینی طهرانی در کتاب حریم قدس (مقاله ای در سیر و سلوک الی الله که به عنوان مقدمه برای ترجمه فرانسه «؛رساله لب الالباب در سیر و سلوک اولی الالباب« علامه طهرانی، نوشته و منتشر شده) برخی از ابهامات و پرسش های بشر امروزی را با توجه به اهمیت موضوع سیر و سلوک و تضارب آراء و اختلاف مسالک و مکاتب متنوع و چه بسا منحرف، پاسخ داده و در تحلیلی آورده است: حقیقت و ارزش هر پدیده چه در وجود و چه در مسیر رشد و تکامل خویش به استناد او به ذات باری تعالی و اراده و مشیت او باز می گرداند و به هر مقداری که در طریق تکامل و فعلیت استعدادات به اراده و خواست و اختیار حضرت حق در کیفیت سلوک عملی نزدیکتر شویم، آن طریق و سلوک مقربتر و رساننده تر خواهد شد.

وی با استناد به کلام الهی در قرآن کریم، رسالت همه انبیاء الهی را ارائه مسیر تجرد و توحید و بیرون آوردن از ظلمات جهل و هدایت به عالم نور و بهاء ذکر می کند و قیام به قسط (که در آیات کریمه بدان اشاره شده است) را به معنی قیام به حق در جمیع مراحل و اطوار حیات، چه در جنبه های عبادی و چه جنبه های اجتماعی و سیاسی و خانوادگی و شخصی می داند که در آن راستا جمیع استعدادهای انسان به منصه ظهور و فعلیت می رسد، و مراتب کمال یکی پس از دیگری برای او حاصل می شود.

وی در ادامه تصریح می کند: اگر انسان در هر مسأله ای رعایت این نکته را ننماید و جانب حق را نگیرد و به احساسات و خواسته های دنیوی پاسخ مثبت دهد، به همان اندازه از وصول به حق محروم و از طی مدارج کمال ممنوع خواهد شد.

حقانیت یک شریعت به واسطه انتساب به علم غیب است

آیه الله طهرانی(فرزند علامه طهرانی(ره)) پذیرش ادیان الهی را بر اساس نزول از جانب حق تعالی می داند و می افزاید: دینی که ساخته و پرداخته بشر است ارزش و بهای آن به مقدار همان مرتبه بشری و ممزوج با توهّمات و تخیلات است، که دائماً دستخوش تغییر و اصلاح و تعدیل خواهد بود؛ و لذا قرآن می فرماید: «؛وَ لَوْ كَانْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا. [سوره النساء (4) ذیل آیه 82]

وی تأکید می کند: حقانیت یک شریعت به واسطه انتساب او به عالم غیب است و بس؛ و اگر این رابطه روزی قطع شود حجّیت و حقانیت او هم از بین خواهد رفت، و از مرتبه الهیت به یک ستّ گذشته و عادت پیشینه مبدل خواهد شد؛ مانند نظامهای حاکم بر سازمانها و امور کشوری که با تغییر ساختار حکومتی، بر آن نظام مهر بطلان زده خواهد شد و به دست تاریخ سپرده می شود. لذا مسأله نسخ یکی از مسائل حیاتی در ادیان گذشته الهی بوده است. شریعت های گذشته الهی با وجود انتساب آنها به عالم غیب و برخورداری از حجّیت و تنجّز و الزام در زمان خود، با ورود شریعت جدید از درجه اعتبار ساقط و بقاء بر آن موجب سخط و غضب خداوند و عدم رضایت او بدان خواهد شد. درحالی که در بسیاری از آیات، جمیع شرایع گذشته و انبیاء الهی را خدای متعال به خود منتسب نموده، مهر و امضای صحت و اتقان را بر پرونده ایشان ثبت نموده است.

تحلیلی مقبول از مسأله وحدت ادیان

این استاد سطح عالی حوزه در پاسخ به شبهات مسأله وحدت ادیان خاطر نشان می کند: مسأله وحدت ادیان تا آنجا که به جنبه ارتباط و تعلق آنان به عالم غیب مربوط می شود مورد قبول و امضاء می باشد؛ چنانچه در آیات شریفه به این معنا تصریح شده است. و اما اگر مقصود نفوذ و الزام و حجّیت و حقانیت و جنبه مقربیت و ایصال به مراتب کمال انسان است، قطعاً مردود و باطل خواهد بود. چگونه متصور است شریعتی ممضای حضرت حق باشد درحالیکه خود اقدام به نسخ آن نموده و رسولش را از گرایش به آن برحذر داشته است! احترام به ادیان الهی و تقدیس پیامبران و انبیاء گرام بجای خود، و متابعت از شریعت اسلام و عدم قبول احکام متخالفه

با آنان بجای خود؛ و این است معنای تسلیم و اسلام.

وی می افزاید: ولذا می بینیم خدای متعال از افرادی که بر اساس چهل به حقانیت شریعت اسلام، لیکن از روی صدق و صفای ضمیر، بدون جهت عناد و غرض متعبد به ادیان الهی گشته‌اند، و شرایع گذشته را منهج و ممشای اعتقاد و عمل خود قرار داده‌اند به نیکی یاد نموده، آنان را بر این روش و طریق مدح و ستایش نموده است؛ و به آنان از جنبه استضعاف نگریسته، مأجور و از جمله سعادت‌مندان به شمار می‌آورد. (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هَادُوا وَ التَّوَارِ وَ الصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ) [سوره البقرة (2) آیه 62]. زیرا نظام عالم غیب بر اساس حق است؛ و کسی که از روی استضعاف بدون تقصیر بواسطه امور و قضایای دنیوی و تربیتی نتوانسته به حقیقت و واقع برسد تقصیری متوجه او نخواهد بود، و خدای متعال با او همان سرنوشتی را خواهد داشت که با افراد مؤمن و متدین به مذهب و آئین حق و شریعت اسلام روا می‌دارد.

ایت الله طهرانی حرکت غائی انسان در نظام تکوین و تشریع را به سمت و سوی کمال مطلق می‌داند و از آنجا که ذات اقدس حق نهایت جمیع کمالات و اصل کلیه ارزشها و تراوشات حقیقت وجود است، معرفت ذات پروردگار را منتهای جمیع مراتب کمال و فعلیت‌های انسانی بر می‌شمرد.

رسول اسلام هویت متکامله ادیان الهی را به اوج رسانید

نویسنده حریم قدس می‌افزاید: هر مکتبی که انسان را به این نقطه غائی و مقصد اُستی هدایت نماید کامل، و اگر به مراتب مادون از صفات و اسماء و آثار ذات ارجاع دهد در هویت خویش ناقص و ناتمام خواهد بود.

رسول گرامی اسلام محمد بن عبدالله (ص) با تکمیل بعثت انبیاء گذشته، به فرموده خویش: بُعِثْتُ لِاتِمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ، نه تنها با تأیید و امضای ادیان گذشته الهی عملاً خود را در همان مسیر و ممشای توحیدی آنان به جهانیان معرفی و ابراز نمود، چنانچه در آیه شریفه می‌فرماید: قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِثْلَ آبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ [سوره الأنعام (6) آیه 161]. بلکه با اظهار مبانی بسیار عالی‌تر و راقی‌تر در مراتب توحید و تربیت نفوس براساس آن مبانی راقیه، قولاً و فعلاً هویت متکامله ادیان الهی را به آخرین نقطه از قله رفیع معرفت و شناخت ذات حضرت حق متصل ساخت.

فقط در مکتب اسلام وصول به آخرین نقطه رفیع معرفت حاصل می‌شود

وی در ادامه با اشاره به نهایت تکامل در ادیان الهی، به بیان تفوق اسلام در رساندن به قله معرفت می‌پردازد و خاطر نشان می‌کند: در ادیان ماضیه بالاترین مرتبه تکاملی برای انسان وصول به حقیقت کلمه مبارکه «؛لا إله إلا الله» بوده است. وصول به این مرحله با فنای در اسماء و صفات نیز میسر است؛ زیرا مفهوم این کلمه طیبه نفی هر گونه تأثیر و سببیت در عالم اسباب و مسببات، و حصر حقیقت مؤثر واحد در عالم وجود، و طبعاً نفی هر گونه عبودیتی در قبال عبودیت حضرت احدیت می‌باشد.

الله اکبر، آخرین نقطه رفیع معرفت

این مدرس حوزه علمیه خاطر نشان می‌کند: در مکتب اسلام شعار، از مرتبه و مرحله لا إله إلا الله فراتر رفته، و با اعلان کلمه مبارکه «؛الله اکبر» به آخرین نقطه رفیع معرفت که به واسطه فنای ذات سالک در ذات حضرت حق حاصل می‌شود دست یافته است. ادراك سالک واصل در ادیان گذشته به معنای فنای ذاتی نبوده است، بلکه با وصول به حقیقت و مفهوم لا إله إلا الله خدای متعال را متصف به مُحُوصَّت در عبودیت و انحصار در تأثیر و علّیت و ارجاع تمام آثار وجود به ذات اقدس حق که لازمه توحید صفاتی و افعالی است می‌نماید؛ اما در مرتبه الله اکبر دیگر تعیّتی وجود ندارد تا ادراك این معانی را بنماید. در آنجا تعین، تعین ذات اقدس حق است، و ادراك سالک واصل، نفس ادراك و علم حضوری حضرت حق خواهد بود؛ و هر کلام و فعلی که از شخص کامل در این مرتبه صادر شود، نفس کلام و فعل و اراده و مشیت خدای سبحان است. و این مقام همان مقام صلوح است که در قرآن کریم به آن اشارت شده است.

بیانی در معنای صلوح در قرآن کریم

آیه الله طهرانی با اشاره به اینکه صلوح در قرآن مجید به دو رتبه از مراتب کمال و معرفت اطلاق شده است، می‌افزاید: در رتبه اوّل چنانچه درباره انبیاء و رسل الهی گذشت، مقصود همان وصول به مقام و حقیقت توحید در مرحله لا إله إلا الله است، و در این مرتبه همه انبیاء الهی به این مقام رسیده‌اند؛ و اما در رتبه دوم به بعضی از آنان مانند حضرت ابراهیم(ع) در آخرت وعده داده شده است: (وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ) [سوره البقرة (2) ذیل آیه 130]. و این مقام اختصاص به رسول گرامی اسلام و اهل بیت معصومین او و اولیای الهی در شریعت محمدیه دارد، که با پیروی از دستورات راستین اسلام و همتی عالی و اخلاص عمل و صدق نیت، یکی

پس از دیگری از قِلل رفیعهِ عوالم معنا صعود نموده، تا بالأخره در مقام منبع توحید ذاتی از همه شوائب کثرت در گذشته، و نه تنها با ادراک حقیقت توحید افعالی و صفاتی و اسمائی، بلکه با محو ذات و انحاء در حقیقت وجود بالصرافه حضرت حق، هیچ ردّ پائی از تعین و تشخص برای خود باقی نگذارند.

وی با اشاره به فقراتی از مناجات شعبانیه (و انر ابصار قلوبنا بضیاء...) مروی از اُمیرالمؤمنین (ع)، وصول سالک را به این درجه از معرفت که شهود ذات خود در شهود ذات اقدس حق است نه جدای از آن، عرفان می نامد.

رعایت دقیق جمیع موازین شرع شرط اصلی وصول به حقیقت توحید است

وی با توجه به ویژگی مکتب اسلام که در آن عرفان به حقّ بدون متابعت از دستورات شریعت و اطاعت از اوامر و نواهی نبی اکرم (ص) محال و ممتنع می باشد، وظیفه سالک اِلَیّ الله را برای وصول به این درجه، سعی و اهتمام تمام بر رعایت موازین و احکام شرع مقدّس مو به مو بیان نموده به نحوی که ذره ای از انجام فرائض و تکالیف مأثوره کوتاهی ننماید. وی تأکید می کند: بدیهی است به هر مقدار که نسبت به اتیان تکالیف مسامحه و اهمال نماید، به همان مقدار از نصیب مراتب فعلیّت و نتایج استعدادات کمالی خود را محروم نموده است.

آیه الله سیّد محمّد محسن طهرانی در توضیح این مطلب می افزاید: شکی نیست که خدای متعال به مقتضای حکمت بالغه خود، خلقت و تکوّن انسان را بر اساس علت غائیّه و هدف خاصی که همان تبلور و ظهور حقیقت مخفیّه «و تَقَحَّتْ فِیْهِ مِنْ رُوحِی» می باشد تحقق بخشیده است؛ و قطعاً برای وصول به این مقصد، راه و روشی خاصّ را که موجب فعلیّت و بروز استعدادهای منظوبه در نفس و سرشت آدمی است معین فرموده است، که از آن به شریعت و دین تعبیر می شود؛ و از آنجا که امر عبث و لغو در مقام اراده و مشیّت حضرت حقّ جائی ندارد، پس قطعاً باید برای تك تك احکام و تکالیف در تربیت نفوس و فعلیّت استعدادات جایگاه و ضرورت خاصّ به خود را مدّ نظر داشته باشد، و اهمال در این مسأله موجب نقصان و خلأ ناشی از علّیت در فعلیّت و مقدّمه موصله به کمال مطلوب خواهد بود. و لذا بزرگان از عرفای الهی و اولیاء حقّ فرموده اند: بدون رعایت دقیق جمیع موازین شرع و اتیان تکالیف وارده بنحو اتمّ، وصول به مرتبه عرفان و ادراک حقیقت توحید محال خواهد بود؛ و این مطلب کاملاً با شواهد و قرائن تاریخی منطبق می باشد.

وی یادآور می شود: لذا می بینیم بسیاری از فرقه های منحرف اسلامی، چه در اهل سنت و عامّه و چه در شیعه با اختلاف در مراتب اعتقادی، در وسوسه شیطان گرفتار آمده، و با ادعای راهیابی به حقیقت و باطن دست از رعایت عمل به موازین و احکام شرع شسته اند و خود را بی نیاز از انجام تکالیف پنداشته، آن را برای افراد مبتدی و ناآگاه به امور باطنی لازم می دانند، مانند اسماعیلیّه و غیره از طوائف مختلف صوفیّه و منتحلین به معرفت حقّ؛ درحالیکه تمام این مطالب جز فرار از تکلیف و بی بند و باری و لا اِبالی گری چیز دیگری نیست. توجّه به عالم معنا و التفات به باطن و حقیقت عالم خلق که امروزه اذهان جمعی کثیر از مردم دنیا را به خود معطوف داشته است، با آنچه که سایر فرق ضاله برای سرپوشی بر هوسرانی ها و عیّاشیها و ضلالت های خود در صدد اثبات آن می باشند تفاوت کُلّی و جوهری دارد.